

اِجام‌شناسی جریان‌های تاریخ

رضا مصطفوی

رضا مصطفوی

امروزه بسیاری از کشورهای جهان در حال گذر از مرحله توسعه به مرحله توسعه پایدار است. این امر نیازمند توجه به محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی به صورت پایدار است. در این راستا، استفاده از انرژی های تجدیدپذیر و کاهش آلودگی هوا از جمله راهکارهای مهم برای تحقق توسعه پایدار است.

[illegible]

پیشینه پژوهش در زمینه تاب‌آوری روانی در میان دانشجویان ایرانی، عمدتاً بر رویکردهای کیفی و پدیدارشناسانه متمرکز بوده است. در حالی که مطالعات کمی در زمینه تاب‌آوری روانی در میان دانشجویان ایرانی انجام شده است. در این مطالعه، به بررسی تاب‌آوری روانی در میان دانشجویان ایرانی پرداخته می‌شود. در این مطالعه، به بررسی تاب‌آوری روانی در میان دانشجویان ایرانی پرداخته می‌شود.

777 | *Journal of Management Inquiry* 25(6) | © The Author(s) 2016

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۷/۰۹

1. Identify the main idea of the passage.

7971 Alifan ۲۵۰۰ | رتبه بندی و ارزش گذاری | مشاوره تخصصی در زمینه های مختلف



التیام

فرج‌شاهی جریان‌های تاریخ

| نویسنده: مصطفوی |

| شابک: ۶-۴-۹۶۰۳۰-۹۷۸ | انتشارات: عهد مانا |

| نوبت چاپ: یکم، بهار ۱۳۹۵ | شمارگان: ۳۰۰ | قیمت: ۱۱,۰۰۰ تومان |

فیبا

سرشناسه: مصطفوی، رضا، ۱۳۵۲ - | عنوان و نام پدیدآور: التیام: فرجام‌شناسی تاریخ / رضا مصطفوی.

مشخصات نشر: تهران، عهد مانا، ۱۳۹۵. | مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.؛ ۱۳ × ۲۰ سانتی‌متر.

شابک: ۱۱۰۰۰ ریال: ۶-۴-۹۶۰۳۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا | موضوع: یهودیت -- تاریخ | موضوع: یهودیت -- منشا | موضوع: منجی

موعود -- یهودیت | موضوع: معادشناسی یهودی | رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ الف ۵۷ م / ۳ BM۱۵۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۶/۰۹ | شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۶۷۲۹



۲۱۱	یونانی را گفتیم این احوال بین	۲۱۱	خندید و گفت
۲۱۲	صاحب دوزی به العجب کاری	۲۱۲	پرویشان عالمی
۲۶۱	ن لیسند نه لالت غیلا	۲۶۱	عمود و مه زلف را لای
۵۶۱	رایطمسان بدع	۵۶۱	تیمتدع لعمه
۶۶۱	ن لای	۶۶۱	ن لای
۷	یکم	۷	پیش قنار
۱۷	دوم	۱۷	پژوش تاریخ
۲۷	سوم	۲۷	آفتاب و اسباح
۳۵	چهارم	۳۵	هجرت و گسترش
۴۳	پنجم	۴۳	نسل امامت
۴۹	۴۹	۴۹	کنعان و بنی اسحاق
۵۳	۵۳	۵۳	شکاف و انتظار
۶۱	۶۱	۶۱	موعودی از آب
۷۱	۷۱	۷۱	لذت قدرت و داغ حسرت
۸۵	۸۵	۸۵	تلاش برای مهار عصیان
۱۰۱	ششم	۱۰۱	عصیان
۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	دانستن کافی نیست
۱۰۸	۱۰۸	۱۰۸	بنی اسرائیل و یهود
۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	محاكمه‌ی تاریخ

۱۱۴	اقلیت خودخواسته	ششم
۱۲۰	انحراف آرمانی	
۱۲۴	کالبدشکافی عصیان	
۱۳۵	دلایل بقای قوم یهود	
۱۳۹	مکه و بنی اسماعیل	هفتم
۱۴۲	در محاق سکوت	
۱۴۴	استقرار و گسترش	
۱۴۷	شریف قریش	
۱۵۰	اعطای برپایان نبوت	
۱۶۲	دیگر عصیان	
۱۷۳	دریا روی دو جریان	هشتم
۱۸۱	ازمانیت بر ماست!	
۱۸۷	فرجام شناسی حق و باطل	نهم
۱۹۱	تکرار تاریخ	
۱۹۳	پایان تاریخ	
۱۹۶	آینده‌ی حق و باطل	
۲۰۳	وجود و موجودی یهود	
۲۰۹	آینده‌ی یهود	
۲۲۱	الحاق و التیام	دهم
۲۲۸	الحاق دو جریان ابراهیمی	
۲۳۱	التیام زخم تاریخ	
۲۳۵	نمایه‌ی منابع	
۲۴۱	نمایه‌ی اعلام	

وقتی به عنوان مدیر گروه تحقیقات تاریخی و مشاور مذهبی سریال موسی علیه السلام به گروه نگارش این سریال پیوستم، به طور جدی ترو و سازمان افتر سرگرم پژوهش و پاسخ به پرسش‌هایی بودم که لازمی ساخت یک سریال پروپیمان از زندگی حضرت موسی علیه السلام است. باید خبئی تحقیق ترو کاربرد می فهمیدم که چرا قرآن این همه به بنی اسرائیل و یهودر تلاش‌های موسی علیه السلام برای هدایت این قوم پرداخته است.

ابهام و پرسش‌های بسیاری باید پاسخ می گرفتند و گرفتند و حاصل این پژوهش از دوهزار صفحه گذشت. اما در این میان، روایات‌های داستان‌هایی بود که اگر گویندگان آن‌ها نمی توانستند رخدادشان را اثبات کنند، من هم به سادگی نمی توانستم وقوع‌شان را ابطال کنم. نتیجه‌ی بیش تر ادعاها درباره‌ی صهیونیسم و فراماسونری، در نهایت به واژگانی مرموز، مبهم و غیرقابل هضم می انجامید که البته

شنیدنش خالی از گونه‌ای لذت رازآلود نبود.

غالب این آثار، با اصالت دادن به کارگردانی باطل در شکل‌گیری تاریخ، و نوعی سمت‌وسوگیری جادویی نگاشته شده‌اند. به تعبیری به جای جست‌وجودر علل عادی و طبیعی پدیده‌ها و حوادث، در پی یافتن دست‌های پنهان در تاریخ افتاده‌اند و بسیاری از رویدادها را با کلید «برنامه‌ریزی دسیسه‌آلود» گشوده‌اند. در این گونه موارد، خواننده از آغاز با نوعی فراانسان زمینی روبه‌روست که تاریخ را کارگرانی می‌کند؛ در حالی که به تأیید قرآن، تدبیر تاریخ، نیاز به «ایمان و برانگیزی» دارد که از عهده‌ی احدی جز رب خالق و آن برنمی‌آید. این دست نوشتارها، هرچند دارای ارزش و اعتبار ویژه‌ی خود هستند، از دیدگاه روش تحقیق در تاریخ، گرفتار این ناهنجاری‌اند که به جای تلاش در پدیده‌ها و روایات تاریخی و در نهایت رسیدن به پاسخ روشن، در همان مرحله‌ی کشف ثنوری توطئه بازمانده‌اند؛ فارغ از این که توطئه‌ها هم تاریخ نیز بنا برگفتمان تاریخی قرآن، پیش از قوای موهوم یا «وای» از عوامل طبیعی و انسانی بهره‌برده و پیش‌زمینه‌های روانی و «ساختار» خود را داشته‌اند. بسیاری از این نوشتارها، از آغاز با ارزش‌گذاری خاص، همه چیز را از سیر طبیعی تاریخ بیرون می‌برند و خواننده در نهایت با غولی بی‌شاخ و دم روبه‌رو می‌شود که در برابر زر و زور و تزویر آن هیچ کاری از او برنمی‌آید و در صفحه‌ی آخر، آنچه برای وی به ارث می‌ماند، ترسی مبهم و یاسی رازآلود است.

وقتی سربازان فراری تیپ گولانی صهیونی را در نبرد ۲۳ روزه لרزان و گریان دیدم، از خود پرسیدم پس کوآن لشکر اشباح و سپاه سایه‌های ماسونی! مسئله در ذهن من شکست ساده‌ی نظامی یک عملیات نبود؛ فرو ریختن انگاره‌ای از اسطوره‌ی سری و قادر مطلق در روی زمین بود؛ اسطوره‌ی شکست ناپذیری یهود و صهیونیسم...

اگر باطل آن گونه که از کودکی به ما فهمانده‌اند، آن قدر قوی و پی‌گیر و تاثیر است و در مقابل آن چشم‌ها و دست‌های ما بسته است، پس تاثیر آن که آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده چه می‌شود؟

در این نوشته، فرض را بر این گذاشتم که با بررسی طبیعی و منطقی صهیونیسم و او را در جلوه‌های ازآلود آن، به عنوان یک «نمونه» از جلوه‌های گوناگون بشر به نتیجه و مدالیت‌های کلی شناخت باطل خواهم رسید. رسیدن به سطح این پرسش‌ها نیازمند تدوین روشی بود که تا جای ممکن مسائل را از ادبی کرده و با قوانین طبیعی خلقت و قرآن، هم خوان و هم آهنگ، باشد. باید در چارچوب آموزه‌های وحیانی و احادیث موثق و تفاسیر طبیعی مسائل پیش می‌رفتم و فقط هنگامی چیزی را به عنوان راز یا حقیقت مسئله‌ی پنهان می‌پذیرفتم که عقل و منطق بدون کمک حواس قادر به اثبات آن باشد. مانند دانشی در ریاضی به نام ترسیم رقومی؛ دانشی که با رؤیت اضلاع آشکار و محاسبه‌ی مهندسی یک ساختمان، به طور منطقی حکم می‌کند که این ساختمان باید اضلاعی دیگر داشته باشد که چون پشت آن قرار دارد، برای من

نامرئی و نادیدنی است.

می‌دانید که فرق است بین چیزی که قابل رؤیت نیست، اما به طور منطقی قابل اثبات است، با چیزی که نه قابل رؤیت است و نه قابل اثبات. برای شروع آنچه با عنوان لژهای مخفی، انجمن‌های سری و دست‌های پنهان در ذهنم بود، همه را دور ریختم تا زمانی که به طور منطقی و با مثالی که گفتم، وجود آن قابل اثبات باشد. ما و پدران ما، هیچ‌کدام ملائک و جبرئیل را ندیده‌ایم، اما فقط آن‌ها را به طور منطقی، به خدا و به طور یقینی به نبوت پیامبر اسلام ﷺ باز آوردیم و صدق کلام او برایمان ثابت شد، به وجود ملائک باور قطع می‌یابیم؛ زیرا روندی منطقی را طی کرده‌ایم و نتیجه‌ی چنین روندی، باور یقینی است. درباره‌ی سلطه‌ی مطلق دست‌های پنهان صحبت می‌کنیم، لژهای ماسونری، انجمن سری کذا و کذا، این روند منطقی طی نشده است.

اصل «بودن» چنین کسان و انجمن‌هایی غیرممکن نیست، مسئله، رازآلودگی پراغراقی است که هم‌زمان با دین، عقل و تجربه نیست. البته منکر وجود دست‌های مخفی و انجمن‌های سری و محافل پنهان در ساختار صهیونیسم و ارتش‌های جهانی نیستم. شاید دست‌هایی باشند که حقیقتاً پنهان در انجمن‌های باشند واقعاً سری که نامی از آن‌ها در سندی و نشانی از آن‌ها در مستندی یافت نمی‌شود و نقل مجالس صهیونیسم‌شناسان و صهیونیسم‌پژوهان نیستند که اگر بودند، دیگر پنهان و سری نبودند! این کتاب حاصل همان تلنگر عمیق است که وادارم کرد برای بازخوانی تاریخ یهود و یافتن چرایی و چگونگی فراز و فرود آنان در

تاریخ و در نتیجه، یافتن پاسخ پرسش هایم تلاشی دوباره کنم. در نهایت به این رسیدم که بسیاری از پژوهش ها و کتاب های منتشر شده درباره ی قوم بنی اسرائیل، یهود و صهیونیسم، بردو گونه نگاه مبتنی است:

نگاه اول، نگاهی افراطی و مبهم، رازآلود و اسطوره پرداز است که به شکل همه ی انحرافات و اختلافات بشر را به قوم بنی اسرائیل و آن یهود ارجاع می دهد تا جایی که مخاطب گمان می برد قتل هابیل به دست قابیل نیز بر اثر تحریک و تحرکات لابی یهود و فراماسوئی است!

این نگاه، مخاطب ابانجامی رساند که بشر باید تا پایان تاریخ به جنگی بی فرجام با اژدهاها و لشکراشیباح مشغول باشد و منتظر بماند تا دستی پرده غیب بیرون بیاید و این سرطان فساد را از زمین بکنند. بیش تر تألیفات، ترجمه ها و پژوهش های منتشر شده ی این گروه، رازآلود و جذاب، اما فاقد ارزش نظری و کاربردی است. این دست سخنان و نوشته ها، مانند گفتار رمالان و فال گیران، هم مایه ی سرگرمی و هم پایه ی سردرگمی است، چیزی شبیه فیلم های ژانر وحشت است که دارای ترسی مبهم و خائبر، ولی فارغ از محتواست. این محصولات، تنها جای قصه های دیر سپید و شاه پریان مادر بزرگ های عهد قدیم را پر می کنند. این گونه کتاب ها و فیلم ها، نه تنها شفاف سازی و ترسیم سیری طبیعی و منطقی و در کل یک فهم باورپذیر را در پی ندارند، بلکه مخاطب را با ابهاماتی عمیق تر و پرسش هایی پیچیده تر روبه رو می کنند. او پس از خواندن اسناد و مدارک، شنیدن تحلیل ها و تفسیرهای این

گروه، به این پرسش ساده می‌رسد که آیا جامعه‌ی سه درصدی صهیونیسم، تنها مؤلفه‌ی تأثیرگذار بر تصمیمات همه‌ی مردم زمین است یا فقط یکی از مؤلفه‌های اثرگذار؟ ناتوانی این سری تألیف و تحلیل‌ها در پاسخ منطقی به این پرسش، کافی است که همه‌ی پژوهش‌های تاریخی و تحلیل‌های سیاسی این چنینی را از اعتبار و کاربرد ساقط کند. مخاطب پس از دیدن بسیاری از فیلم‌ها و مستندها یا خواندن انبوهی کتاب و مقاله، نمی‌تواند خود را قانع کند که این را که دیده یا خوانده «راز»ی است سر به مهر، که اکنون تنها از رویکردها یا نویسندگانه و کارگردان به آن پی برده‌اند و دیگر مردمان (مبصران) از این راز بی‌خبرند! یا اگر دیگر مردمان هم، مانند او، این حقایق را می‌دانند، پس چگونه آن را پذیرفته و با آن کنار آمده‌اند؟

نگاه دوم، نگاه کسانی است که با پاک کردن صورت مسئله، منکر آیات و روایات دینی می‌شوند و حتی چشمان خود را بر واقعیات عینی و امروز صهیونیسم در سطح جهان می‌بندند. اینان هر ادعایی، هرچند مستند و مستدل، درباره‌ی جنایات صهیونیسم را به توهم توطئه و خیال‌بافی و دشمن‌تراشی نسبت می‌دهند و وقتی در بن‌بست ناتوانی انکار جنایات صهیونیسم گیر می‌افتند، می‌کوشند کردار ضدبشری آنان را به هر شکل ممکن توجیه کنند. این گروه طیف گسترده‌ای از روشنفکران سکولار مآب‌اند که پایه‌ی تلاش خیانت‌بار آن‌ها بیشتر بغض اسلام است تا حب صهیونیسم و یهود. اینان با غیرت‌زدایی دینی و غفلت‌آفرینی سیاسی

مسلمانان، برآن اند دشمنان نشان دار دین را چون اسب تروا، وارد جهان مسلمانان کنند تا دروازه های این جهان را از درون به روی دشمنان اسلام بگشایند.

حال نظر به این که اطلاعات غلط، پایه ی نتایج غلط، و نشانی اشتباه، مایه ی گم کردن راه است، تصوّر من آن است که ارائه ی رانستی طبیعی، عقلانی، قرآنی و در نهایت باورپذیر از تاریخ بنی اسرائیل و شاخه ی یهود، به عنوان سرسخت ترین دشمن اسلام^۱ می تواند ما را در شناخت راست و درست وضعیت اکنون و آینده ی این کشور، افزون بر آن، روایت قرآن از بنی اسرائیل، حکایت آینه وار امت این دنیا^۲ و نیز از نسل اسماعیل نیز هست؛ این هر دو امت، به گفته ی پیامبر خدا ﷺ در فراز و نشیب ها شباهت ها و تناسب هایی فراوان دارند.^۳

در فصل های پیش رو خواهم کرد به روایتی منطقی و باورپذیر درباره ی جریان های تاریخی بنی اسرائیل و بنی اسماعیل دست یابم. آن گاه با بهره گیری از روایات، سنت های الهی و قوانین عادی در جنبه های گوناگون حاکم بر زیست بشر، با مروری بر سیر تاریخی امت ابراهیم علیه السلام (اسحاقیان و اسماعیلیان) علاوه بر این، با بررسی طبیعی انحطاط بنی اسرائیل و شرح علل انحراف آیین و باورهای این امت با بررسی تاریخ قرآن و بهره گیری از آینده پژوهی متکی بر روایات

۱. سوره ی مائده، آیه ی ۸۲: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا لِيَهُودَ...؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.

۲. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: کلّ ما كان في بني اسرائيل يكون في هذه الامة مثله. خذوا النعل بالنعل والقُدوة بالقُدوة؛ هر آنچه در بنی اسرائیل واقع شده در این امت نیز همانند آن روی می دهد، قدم به قدم و نمونه به نمونه. ابحار الاموار، ج ۵۳، ص ۸۰۸.

فرجام جهان و چالش های خطیر پیش روی آن را واضح تر ببینیم. در نهایت، به این نتیجه خواهیم رسید که عامل انحراف اجتماعی هر دو جریان بزرگ تاریخ، بنی اسرائیل و بنی اسماعیل، «عصیان» در برابر امر الهی بوده و پایان تاریخ و بهار خلایق، مهار این دو جریان و اتحاد و الحاق آن ها و التیام این زخم کهن تاریخی خواهد بود. این اثر مرهون زحمات اساتید پیشین و کنونی من است و یافتن پاسخ پاره ای از پرسش هایم را از مشورت های بی دریغ «کیومرث» و «ابوالحسن» می دانم که به ویژه در بخش فهم قرآنی موضوعات، مرا راهنما و رستگار کرد.

رضا مصطفوی

بهمن ماه ۱۳۹۴